

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## نبض اوضاع سیاسی - اجتماعی افغانستان دیروز، امروز و فردا چگونگی پیامدهای حاکمیت پسین "طالب"‌ها در کشور حل مغلق‌ترین معادله با دوجبهول یا بیشتر از آن

اوضاع جاری دنباله دورویداد تاریخی در محدوده کشور  
بالا گرفتن دست‌ان عده ایی بنشانه تسلیمی به پاکستان  
پیچیده بودن وضعیت کنونی و دورنمای دولت فراگیر  
شایع شدن بیماری نظریاتی خطرناکتر از "طالب"‌ها

دانشمندان علم سیاست بمطالعه اموری می پردازند که با ایجاد و انتقال قدرت در پروسه های تصمیمگیری، نقش نظامها در حکومت داری شامل دولت ها و سازمان های بین المللی، رفتار سیاسی و سیاست های عمومی سر و کار دارد. آنها میزان موفقیت حکومتداری هریک از دولت ها، سیاست های مشخص را با سنجیدن بسیا ری از شاخصه ها همچون: ثبات، انصاف، رفاه و ثروت مادی و آرامش و آسایش، اندازه می گیرند. برخی از دانشمندان علم سیاست درصدد استفاده از رویکردهای پوزیتیویستی ( رویکردی بمنظور تلاش برای توصیف چیزها آنگونه که هستند، می باشد نه آنگونه که باید باشند) برای تحلیل بهتر سیاست هستند و برخی دیگر از ایشان نیز بدنبال ارائه توصیه هایی در زمینه سیاست های مشخص می باشند. دانشمندان این علم با تولیدات شان، زمینه کاری بسیاری از مشاغل را فراهم می نمایند، از جمله خبرنگاران، سیاستمداران و تحلیل گران انتخابات. انیشمندان سیاست ممکن است بعنوان مشاور به سیاستمداران مشخصی خدمت نمایند یا حتا ممکن است خود برای تصدی پست یا مقام سیاسی اقدام کنند. ایشان می توانند کاری در در داخل دولت یا احزاب سیاسی داشته یا حتا در مشاغل عمومی، مشغول بکار باشند. در سایر نقاط دنیا علم سیاست را بمتابه بخشی از یک رشته وسیع تر با نام مطالعات سیاسی، سیاست یا حکومت می شناسند. در حالی که علم سیاست از روش های علمی استفاده نموده و مطالعات سیاسی رویکرد گسترده تر و وسیع تری دارد.

در حدود اندی بیشتر از یکسال ونیم، پس از آنکه "طالب"‌ها در کشور بقدرت دسترسی حاصل نموده و به تصرف بی چون وچرای آن مبادرت ورزیدند، تاهمین اکنون نیز چه در میان رهبران سیاسی قبلی افغانستان و چه در مجموع، نزد رهبران کشورهای خارجی، این انتظار همیشگی موجود می باشد که "طالب"‌ها بمنظور تأمین ثبات سراسری در کشور، بایجاد و شکل گیری دولت فراگیر و همه شمول باید اقدامات عملی و قابل دیدی را انجام دهند. در مورد گفته آمده بایست خاطر نشان گردد که در وضعیت کنونی از واقعیت یادشده نتایج دوگانه ذیل بدست می آید: نتیجه نخست، بگونه کلی به پاسخ این پرسش مرتبط می باشد کآیا جامعه جهانی، این واقعیت را درک نموده که حضور رهبران "طالب"‌ها را بمتابه ممثلین قدرت کنونی در کشور برسمیت بشناسد. دومین نتیجه، اصل برسمیت شناختن "طالب"‌ها را با این واقعیت می توان پیوند داد که هرکدام از گروه بندی ها، آمادگی کاملی بمنظور تقسیم و توزیع عادلانه قدرت با سایر گروه های سیاسی داشته باشند. رهبران سیاسی باید تلاش بخرج دهند تا بنمایندگی از سایر افشار و گروه های مختلف جامعه ماعرض وجود نموده و تشکیل و پایه گیری حاکمیت فراگیر را بمتابه ابزاری بمنظور اصلاح مسالمت آمیز مواضع "طالب"‌ها بکار گیرند. در این میان، نحوه رفتار و طرز بینش "طالب"‌ها نشاندهنده این واقعیت می باشد که نقطه نظر یادشده بسیار خوشبینانه بنظر رسیده و نظر بدلالی حتا می تواند خطرناک هم محسوب گردیده و نتایج نامطلوب و غیر قابل قبولی را بدنبال داشته باشد. رهبران "طالب"‌ها در عمل با ثبات رسانیدند

که جز انحصار تمام و کمال قدرت، بحداقل ها اصلن قناعت نخواهند نمود. با اینحال، بگمان اغلب که نهایت عجله بخرچ می دهند تا به مخالفان سیاسی شان، واقعیت یادشده را حالی نمایند. تجزیه و تحلیل عملکردهای گروه‌های مختلف بازگویی این واقعیت می باشد که "طالب"ها، بویژه در امتداد زمانی پس از شکل گیری، بگونه مرحله به مرحله در صدد تضعیف همیشگی و پیگیر مخالفان شان سعی می ورزند.

همه باین امر توافق می نمایند که صرف با صحبت از تحریک "طالب"ها(البته از دیدگاه صرفن علمی وبدون اندکتر ین تبلیغی در مورد) تمامی آن وحشت‌هایی کاز طریق تلویزیون ها بنمایش گذاشته می شود و یا داستان‌هایی که در صفحات کتاب ها ونبشته‌هایی از این دست ارائه گردیده، آنهمه را اصلن نمی توان بخاطر آورده وحتا در ذهن هم مجسم نمود.

بسیاری ها معتقدند که با مطالعه موشگافانه همه آنچه در افغانستان می گذرد و آنچه در کشور ما اتفاق افتاده و یا در شرف تکوین می باشد، علاقمندی جهانیان بآن جلب می گردد. بسیاری ها می پرسند آیا این حقیقت دارد که با بقدرت رسیدن "طالب"ها، بانوان کشور از حق کار و تحصیل محروم گردیده ودر ب سایر مؤسسات آموزشی بشمول حتا مدرسه ها ومراکز آموزش های دینی ومذهبی نیز بروی آنها مسدود گردید؟ چرا چنین شد؟ واینهمه از کجا می آید واز کدام مرکز الهام می گیرد؟

بمنظور دستیابی به پاسخ های قناعت بخش در موارد یادشده، قبل از همه وبیش از سایر مسایل، باید چگونگی موضع گیری "طالب"ها در قبال موضوعات ومعضلات موجود ودر باره چگونگی ونحوه ارتباط جنگ ومذهب در کشور عزیز ما افغانستان مورد غوررسی و تفحص همه جانبه قرار داده شود. نباید در مورد مسایل مربوط بکشور عزیز ما به تک نگاری های خسته کننده وملال آوری مبادرت ورزید. نویسنده های بیشمار خارجی واز جمله، خود شهروندان افغان نیز باین واقعیت می اندیشند کاینهمه حالات و وضعیت خطر آفرین (بویژه از نقطه نظر چگونگی دید اروپایی ها)، چگونه در داخل سرزمین وارضی متعلق باافغانستان اتفاق میافتد؟

قابل یاددانی پنداشته می شود که تحریر و به تصویر کشیدن حوادث اتفاقیه در کشور عزیز ما را آنقدرها هم نباید ساده و بسیط تصور نمود واز موجودیت دشواری‌هایی که سبب سازمعضلاتی در مورد می گردد، نباید چشم پوشی بعمل آید. خاطرنشان می گردد که با تماس و طرح مسایل و موضوعات حساس موجود، بگونه مختصر درنبشته حاضر، در مورد آنچه شهروندان کشور ما می خواهند، حقایقی بیان گردیده است. اما قبل از طرح مسایل مورد نظر، به پرسش های ذیل بایست پاسخ های قناعت بخشی ارائه گردد:

- عوامل وانگیزه های موفقیت "طالب"ها در چه هفته می باشد؟

- در مقطع زمانی سال ۱۳۷۳ خورشیدی، "طالب"ها به چه نحوه ای، چرا وچگونه پابعرصه وجود نهادند؟

- "طالب"ها از شهروندان کشور چه می خواهند؟

- نحوه موضعگیری "طالب"ها در مورد بانوان کشور و بویژه در باره حق تحصیل واشتغال آنها بر چه روالی سیرنموده وچرا دروازه های مکاتب ودانشگاهها را بروی آنها بستند؟

بگفته بسیاری ها، وضعیت اینچنینی در نوع خود سبب محروم گردیدن نیمی از پیکر جامعه افغانی از مزایای تحصیل ودرک دانش وعلوم مروجه می گردد. بر بنیاد اظهارات مطرح شده، اصل امور تحصیل وتدریس مطابق میل وسلیقه "طالب"ها باید تنظیم واجرا گردد. بگفته آنها، از جمله، امور تدریس و آموزش بانوان نباید توسط مردان اجرا گردد. بمفهوم دیگر، امور آموزش وتعلیم وتربیه در مکاتب وتاممی مراکز تحصیلی، مطابق سلیقه ها ودرک سنتی "طالب"ها از تعلیم وتربیه باید ترتیب وتنظیم گردد. انتظار برده می شد تا تجربه مدرسه بکناری گذاشته شده وموقف بانوان کشور از سطح مسایل آموزشی بانجام واجرای امور منزل متغیر گردد. اما مانند همیشه مسأله فوق نیز عود نمود. مراکز تعلیمی و آموزشی بروی بانوان کشور همچنان مسدود باقی مانده وآغاز مجدد آن نیز بدست فراموشی سپرده شده است.

از جانب دیگر، شاهد برخوردهای دوگانه غرب در ارائه حمایت های وعده داده شده به شهروندان کشور نیز می باشیم، همه باین امر واقفند کامتناع و خودداری سازمان ها ونهادهای غربی از تداوم معاونت های بشردوستانه، بخودی خود ازدوگانگی عملکردهای آنها در مورد کشور عزیز ما پرده برمی دارد، چه در شرایط و اوضاع و احوال کنونی، کمک ها و معاونت های بشردوستانه به شهروندان کشور ما واقف حیاتی پنداشته می شود. چنانچه همه آگاهند که مدتی قبل، "طالب"ها، بانوان کشور را از حق تحصیل در مجموع محروم نموده و مانع مصروفیت های کاری واشتغال آنها در تمامی بخش های حیات اجتماعی گردیدند. پس از آن برخی از سازمان ها ونهادهای

غیردولتی، از جمله مجمع ناروی برای مهاجران و صندوق اطفال نیز فعالیت های شان در کشور ما را متوقف نمودند. قابل یاددانهایی پنداشته می شود کامتناع غرب از تداوم کمک ها و ارانه مساعدت های بشردوستانه به شهروندان کشور ما کاملن عجیب بنظر می رسد، اما چنین اقدامی مربوط به تصمیم اتخاذ شده از جانب غرب می باشد. ظاهرن زمانی که امریکایی ها در سرزمین کشور ما حضور داشتند، طرح های بشردوستانه در عمل اجرا می گردید، اما در وضعیت حاضر، در کشور از طرح های یادشده اضلن خبری در میان نمی باشد کاین بخودی خود از برخوردهای دو گانه غرب در قبال کشور ما نمایندگی می نماید.

در مجموع و بویژه در ایام پسین، اطلاعات و اخبار متناقضی از وضعیت عمومی در کشور بگوش می رسد. اما بهمه آنچه در وسایل اطلاعات همگانی انعکاس داده می شود، نباید باور نمود. این واقعیت را نباید هیچگاهی فراموش نمود که شهروندان کشور عزیز ما به غذا، لباس، وسایل گرم کننده وادویه و... اشد ضرورت دارند. امتناع و خودداری از ارائه خدمات سازمان های بشردوستانه و نهاد های مربوطه به شهروندان کشور افغان ها، بگونه واضی ازدورویی غرب در مورد مسایل مربوط بکشور ما نمایندگی می نماید.

اما چه کسانی در جهان از "طالب" ها حمایت بعمل آورده و نحوه این حمایتهای آنها از چه قرار بود؟ نباید به کتمان این حقیقت مبادرت ورزید که سرازیر شدن سیل آسای انواع مختلف سلاح، مهمات جنگی و محاربوی، تجهیزات حربی و... توسط ایالات متحده به مجاهدین، از جمله دلایل احتمالی عقب نشینی اتحاد شوروی از کارزار بوجود آمده در افغان نستان و انتقال آنها بمحلات وضع الجیش شان بشمار می آید. همچنان، احتمالن سلاح و مهمات موجود وباقیمانده توسط ایالات متحده نیز بمنظور تخریب شهرها، قرأ و قصبات ومنهدم نمودن محلات بودوباش شهروندان کشور ما مورد استفاده قرار داده شد.

فراموش خاطر ما نگردد که "طالب" ها را نباید از طرز نگاه اروپایی ها مورد داوری وقضاوت قرار داد. در کنار بسا از مسایل موجود، بسیاری از باشنده های محل، بر بنیاد نقطه نظرهای سنتی، از حرکت "طالب" ها بگونه ایی پشتیبانی بعمل می آوردند، اما مدتی پس از آن، شهروندان شهرهای بزرگی از جمله در کابل و هرات در مواجهه با عدم تساهل و تیزیی های نمایندنده های "طالب" ها، از گروه نامبرده روگردان شدند.

عوامل ودلایلی که سبب ساز بقدرت رسیدن "طالب" ها گردید، از جمله یکی هم نارضایتی های گسترده شهروندان کشور از وضعیت بوجود آمده پنداشته می شود. پس از آن، همراه با رهبری که توانایی هدایت کشور را بسوی آینده شگوفان برعهده داشته باشد، مجموعه ایی از قوانین وضوابط مذهبی ودینی نیز با برصه وجود نهاد. چنانچه نه تنها در کشور عزیز ما افغانستان، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان چنین اتفاق میافتد، بویژه زمانی که نارضایتی شهروندان همراه با نبود امکان معیشتی توأم می گردد، اعتقاد و اعتماد به رهبری بیش از پیش افزایش می یابد کآنها را بسوی خوشبختی ها وبهروزی ها هدایت نماید.

با اینحال، اصلن تصور هم ننمایید که قبل از بقدرت رسیدن "طالب" ها (بویژه قبل از ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱) الی حوادث اتفاقیه پسین، در سرزمین و اراضی متعلق بکشور ما آرامش وامنیت سراسری موجود بود شهروندان کشور عزیز ما بگونه دوامدار و همیشگی به مبارزه بمنظور بقای خویش متوسل گردیده اند و سال های صلح وامنیت در کشور را میتوان با انگشتان دست محاسبه نمود. تنها در امتداد سده ۲۰، حاکمیت سیاسی در کشور هر ۳ - ۵ سال دست بدست می گردید. تنها و صرف نیروهایی که مورد حمایت، پشتیبانی و شفقت های اتحاد شوروی ویا ایالات متحده قرار می گرفتند، قادر به حفظ و نگهداری قدرت در کشور بودند، تصور نمایید در شرایط و وضعیتی که به اصطلاح "رئیس دولت" فرد دست نشانده تلقی گردیده و بمثابه بازیچه ایی در دست دیگران باشد، آینده آن کشور را خود پیشبینی نماید. چنانچه واضح و مبرهن است، سرزمین کشور عزیز ما افغانستان مؤطن اصلی پینتون ها، تاجیک ها، ازبیک ها، هزاره ها وبگونه مجموعی متعلق به حدودن ۱۴ گروه های اتنیکی می باشد. در کنار اینهمه، با وجود آنکه اصل دین ومذهب از جایگاه ممتاز و منحصر بفردی در جامعه برخوردار می باشد، اما هر کدام از نمایندنده های گروه های یادشده، بنحوی از انحاء و بشکلی از اشکال به شهروندان سنی و یا شیعه کشور ما متعلق می باشند. از جانب دیگر، تفاوت گسترده ای میان شهروندان شهری و دهاتی کشور موجود می باشد. روشنفکران و افراد تحصیلکرده اکثرن در شهرها بود و باش نموده که در چنین وضعیتی، اندکی از شیوه زندگی مرد سالارانه، سنت های قومی و خصوصیات و ویژگی های روستا ها و دهات فاصله گرفته اند.

شنبه ۱۰ ماه جدی سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۳۱ ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ ترسایبی